

# همایش

بازخیزی اسلام انقلابی در بین النهرین  
عراق امروز؛  
چالشها و چشم  
اندازها

۱۷ تیر ماه ۱۳۸۶



## فهرست مطالب

- مقدمه دبیر همایش / دکتر حسین احمدی..... ۱
- برنامه همایش ..... ۵  
خلاصه مقالات :
- پیشینه تشیع در جنوب عراق / رسول جعفریان ..... ۶
- عراق فردا/ محمد مجید الشیخ ..... ۸
- منابع قدرتمندی شیعیان عراق / سید ریاض حکیم ..... ۱۰
- آخرین تحولات روابط دو جانبه و استراتژی ایران در عراق / حسین امیر عبداللہیان.. ۱۵
- منافع کشورهای عرب همسایه عراق / ناظم دباغ..... ۱۷
- مدل نظام سیاسی نوین عراق / سید محسن حکیم ..... ۱۹
- پیشگامان جهاد مقاومت / عباس الدهلکی ..... ۲۳
- مرجع مجدد/ صفاء الدین تبرائیان ..... ۲۶
- سیر تطور مجلس اعلاز آغاز تا به امروز / ماجد غماس ..... ۳۱
- اشغال عراق و تاثیرات منطقه ای / سید جواد طالب..... ۳۳
- بستر رشدونمو سلفی‌های تکفیری اרהابی درعراق/ص.کاظمینی..... ۳۵
- جایگاه مذهب در شمال عراق / ماندانا تیشه یار ..... ۳۸
- عراق از ثوره العشرين تا سقوط صدام / مهدی انصاری ..... ۳۹

## مقدمه

دکتر حسین احمدی\*

قدمت تمدن شناخته شده در بین النهرین به چند هزار سال قبل از میلاد بر می گردد. با ورود اسلام به عراق حضرت علی (ع) کوفه را مرکز خلافت خود قرار داد. در دوره خدمت امویان عراق زیر سیطره آنها قرار گرفت و در دوره عباسیان بغداد مرکز خلافت عباسیان شد.

موج سوم مغول به رهبری هلاکو به دوره خلافت ۵۲۵ ساله عباسیان در سال ۶۵۶ ق خاتمه داد. تیمور لنگ نیز در حمله خویش به سمت عثمانی تازه تاسیس شده، عراق را از ویرانی و تباهی بی نصیب نگذاشت. با تثبیت عثمانیان بخش بزرگی از عراق پنج قرن تحت سلطه عثمانیها قرار گرفت.

از نیمه دوم قرن هیجدهم انگلیسیها با احداث نمایندگیهای تجاری - سیاسی به مطالعه اوضاع سیاسی اجتماعی و ویژگیهای روابط قبیله ای عراق پرداختند. بر اساس موافقت نامه ساکس - پیکو در شانزدهم ماه می ۱۹۱۶ عثمانی بین انگلیس و فرانسه تقسیم و نیروهای انگلیس در سال ۱۹۱۷ وارد بغداد شدند کنفرانس صلح پاریس توجهی به مساله عراق نکرد و جامعه ملل نیز بر اساس پیشنهاد. کنفرانس سان ریمو موافقتنامه سایکس - پیکو را تأیید کرد و بدین وسیله عراق تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت.

پس از این حادثه مردم عراق به رهبری آیت اله سید محمد صدر از روحانیون برجسته شیعه بر علیه انگلستان قیام کردند. انگلیسیها با تمام قوا به سرکوب این قیام پرداختند و آیه اله صدر را تبعید کردند. انگلیسیها سپس با فراندوم نمایشی فیصل را روی کار آوردند.

---

\*. دبیر همایش و مدیر گروه خاورمیانه.

با گسترش مبارزات مردم مسلمان عراق، انگلیسیها با نوری سعید نخست وزیر جدید عراق یک قرارداد ۲۵ ساله امضا کردند که هفت سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۲ عراق به وسیله انگلیسی ها یک کشور مستقل شناخته می شد. با درگذشت ملک فیصل در سوئیس ملک غازی در اکتبر ۱۹۳۳ روی کار آمد. تمایلات ضد انگلیسی متمایل به آلمان غازی باعث مسمومیت و مرگ وی توسط اطرافیان نزدیکش شد. در سال ۱۹۳۹ با جانشینی پسر غازی به نام ملک فیصل دوم، و قیام مردم مسلمان عراق، رشید عالی گیلانی و طرفدار آلمان و ضد انگلیسی به نخست وزیری رسید اما سربازان انگلیسی - اردنی در اول ژوئن ۱۹۴۱ بغداد را تصرف و رشید عالی گیلانی را پس از ۵۸ روز حکومت ساقط کردند.

نوری سعید با رسیدن مجدد به قدرت به تحریک انگلیسیها و برخلاف نظر اعراب طرح هلال خصب را مطرح نمود و به دنبال این اقدام مردم عراق و تعدادی از کشورهای عربی علیه نوری سعید به مخالفت پرداختند اما نوری سعید به بهانه جنگ با کردها، مردم عراق را به شدت سرکوب کرد.

انگلیسیها به منظور جلوگیری از شورشهای مردم مسلمان عراق و تثبیت ادامه چپاولگری خود در عراق تصمیم گرفت قبل از انقضای قرارداد ۱۹۳۰ - که در سال ۱۹۵۷ به پایان می رسید . قراردادی را در ۱۵ ژانویه ۱۹۴۸ به عراق تحمیل کنند که به موجب آن ادامه حضور و اشغال عراق وسیله انگلیسیها ادامه می یافت. بدنبال انتشار این قرارداد نزدیک به نیم میلیون نفر در عراق بر علیه انگلیسیها به خیابانها ریختند و در نتیجه انگلیسیها ناچار به لغو این قرارداد پرداختند.

به دنبال روی کار آمدن جمال عبدالناصر در مصر و کودتای عبدالکریم قاسم در عراق در سال ۱۹۵۸، فیصل دوم پادشاه عراق اعدام شد ، نوری سعید خودکشی کرد ، سفارت انگلیس نیز به آتش کشیده شد و جمهوری عراق شکل گرفت.

عبدالسلام عارف در سال ۱۹۶۳ با انجام کودتایی عبدالکریم قاسم اعدام کرد . با مرگ عارف در ۱۳ آوریل ۱۹۶۶ در اثر سقوط هلی کوپتر برادرش

عبدالرحمان عارف جانشین وی شد با محاصره کاخ نخست وزیر و رئیس جمهوری توسط بعثیها به رهبری حسن البکر در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ عارف تسلیم و تبعید گردید.

کویت اولین کشوری بود که دولت بعث را به رسمیت شناخت و سوریه با سردی از روی کار آمدن بعثیها استقبال نمود. بعثیها روابط با شوروی، چین و فرانسه جز اولویتها خود قرار دادند.

صدام حسین معاون دبیرکل حزب بعث شد و کودتاهای پی در پی علیه روی کار آمدن بعثیها نافرجام ماند. صدام برای حذف رقبای قدرتمند در ارتش ژنرال حردان تکریتی را در سال ۱۹۷۱ در کویت به قتل رساند و در سال ۱۹۷۲ ضمن سفر به مسکو یک قرارداد دوستی و همکاری با شوروی امضا کرد سپس با روی کار آوردن افراد غیر نظامی در عراق همچون طارق عزیز، سعدون حمادی، نعیم حداد، عدنان خیراله راه را برای تبدیل شدن به مرد شماره یک عراق هموار کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحرکاتی در اطراف مرزهای ایران به وقوع پیوست که به قدرت رسیدن ژنرال ضیاء الحق در پاکستان و ژنرال کنعان اورن در ترکیه و ورود شوروی در افغانستان را می توان مرحله اول مهار انقلاب ایران دانست پس از آن در مرحله دوم با کمکهای مالی بعضی از کشورها عربی و کمکهای تسلیحاتی و اطلاعاتی شوروی و امریکا قرار بود در عرض یک هفته تهران تصرف شود!! ظاهراً همه چیز مهبیای این کار بود. ارتش ایران در وضعیت نامطلوبی بسر می برد، سپاه پاسداران دوران طفولیت خود را پشت سر می گذاشت و ارتش عراق از چهار لشکر در قبل از انقلاب به ۱۲ لشکر مکانیزه به مدرنترین سلاح روز مجهز شده بود.

پس از حدود یک سال نه تنها توفیقی به دست نیامد که همه دنیا برای نگه داری صدام بسیج شدند.

صدام حسین و حزب بعث که در طول زمان حاکمیت خود این نکته را به اثبات رسانده بود که چشم طمع به خاک همسایگان دارد دو سال بعد از جنگ با ایران، ظاهراً با چراغ سبز سفیر امریکا در بغداد کویت را تصرف کرد و پای

نیروهای امریکایی و ناتو به خلیج فارس باز کرد و کشورهای کوچک جنوب خلیج فارس قرارداد نظامی و امنیتی متعددی را با ایالت متحده امضا کردند. ایالات متحده با استفاده از ترفند وجود سلاحهای غیر متعارف هسته ای و میکروبی ، گسترش دموکراسی ، برقراری نظم و ثبات در خاورمیانه و جنگ با تروریسم وارد عراق شد. ناگفته پیداست که هیچ کدام از نکات فوق اهداف امریکا در عراق نبود.

این که نو محافظه کاران آمریکایی از ورود به باتلاق عراق چه درسی گرفته اند و چه تمهیداتی را برای خروج از این بن بست اندیشیده اند گذشت زمان تا حدودی این مطلب را روشن خواهد کرد.

به یقین روابط دو کشور دوست و برادر ایران و عراق در بهترین وضعیت تاریخی خود به سر می برد و برقراری ثبات و امنیت در عراق نه تنها به نفع ملت مسلمان عراق بلکه در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز می باشد.

گروه خاورمیانه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در راستای اهداف علمی و پژوهشی خود سعی دارد با برگزاری این همایش گامی کوچک در راستای روشن کردن زوایای پنهان این تحولات و همکاری و اتحاد دو کشور برداشته باشد.

**برنامه همایش**  
**((عراق امروز؛ چالشها و چشم اندازها))**

۱۷ تیر ماه ۱۳۸۶

ساعت	موضوع سخنرانی	سخنران
۹-۹/۰۵	—	تلاوت آیاتی از قرآن کریم
۹/۰۵-۱۹/۱۵	گزارشی از شکل گیری همایش	دکتر حسین احمدی دبیر همایش
۹/۱۵-۱۰/۴۰	<b>جلسه اول</b>	
—	رئیس جلسه	آقای علی اصغر محمدی مدیرکل خاورمیانه وزارت امور خارجه
۹/۱۵-۹/۳۵	پیشینه تشیع در جنوب عراق	آقای رسول جعفریان استاد دانشگاه
۹/۳۵-۹/۵۵	عراق فردا	آقای محمدمجید الشیخ سفیر عراق در تهران
۹/۵۵-۱۰/۱۵	آخرین تحولات روابط دو جانبه و استراتژی ایران در عراق	آقای محمد عمرانی معاون ستاد ویژه عراق وزارت خارجه
۱۰/۱۵-۱۰/۲۵	—	پرسش و پاسخ
۱۰/۲۵-۱۰/۴۵	—	پذیرایی
۱۰/۴۵-۱۲	<b>جلسه دوم</b>	
—	رئیس جلسه	آقای سید اصغر قریشی مدیرکل اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه
۱۰/۴۵-۱۱/۰۵	منابع قدرتمندی شیعیان عراق	آقای سید ریاض حکیم حوزه علمیه نجف
۱۱/۰۵-۱۱/۲۵	عراق از انقلاب ۱۹۲۰ تا سقوط صدام	آقای مهدی انصاری حوزه علمیه قم
۱۱/۲۵-۱۱/۴۵	مدل نظام سیاسی نوین عراق	آقای سیدمحسن حکیم مشاور سیاسی رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق
۱۱/۴۵-۱۲	—	پرسش و پاسخ
۱۲-۱۴	—	نهار و ناهار
۱۴-۱۵/۲۰	<b>جلسه سوم</b>	
—	رئیس جلسه	دکتر موسی حقانی مدیر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۱۴-۱۴/۲۰	پیشگامان جهاد و مقاومت	آقای عباس الدهلکی رئیس دفتر حزب الدعوة اسلامی در تهران
۱۴/۲۰-۱۴/۴۰	منافع کشورهای عرب همسایه عراق	آقای ناظم دباغ رئیس دفتر اتحادیه مبنی کردستان عراق در تهران
۱۴/۴۰-۱۵	مرجع مجدد	آقای صفاء الدین تهرانیان پژوهشگر ارشد تاریخ عراق
۱۵/۲۰-۱۵/۳۰	—	پرسش و پاسخ
۱۵/۳۰-۱۵/۵۰	—	پذیرایی
۱۵/۵۰-۱۷	<b>جلسه چهارم</b>	
—	رئیس جلسه	آقای محمد جعفری عضو شورای عالی امنیت ملی
۱۵/۵۰-۱۶/۱۰	سیر تطور مجلس اعلا از آغاز تا به امروز	آقای ماجد غماس رئیس دفتر مجلس اعلا اسلامی در تهران
۱۶/۱۰-۱۶/۳۰	اشغال عراق و تأثیرات منطقه ای	آقای سید جواد طالب مشاور سیاسی ابراهیم جعفری
۱۶/۳۰-۱۶/۵۰	بررسی آخرین تحولات عراق	آقای محمد جعفری عضو شورای عالی امنیت ملی
۱۶/۵۰-۱۷	—	پرسش و پاسخ

## تعامل مذهبی جنوب ایران با جنوب عراق

رسول جعفریان\*

باید توجه داشت که تشیع در میان قبایل عرب خوزستان هیچ ارتباطی با تشیع مرکز ایران که از قرن‌ها پیش از صفوی سابقه داشت ندارد. چنان که ارتباطی نیز با تشیع صفویان ندارد، زیرا زمانی که شاه اسماعیل به قدرت رسید، مدتها بود که دولت مشعشعیان مستقر در جنوب ایران و بخشی از جنوب عراق، با گرایش مذهبی تشیع آن هم در شکل نزدیک به غالی، حکومت می کردند. رهبران مشعشعی از نسل سید محمد فلاح (شاگرد ابن فهد حلّی - ۸۴۱) بودند. سید محمد در سال ۸۷۰ درگذشت و محسن فرزند پسر وی دولتی مقتدر تشکیل داد و پس از وی فلاح بن محسن این دولت را در سایه حکومت صفوی حفظ کرد. قبایل زیادی از حویزه و اطراف آن در اطراف ایشان جمع شدند. شاه اسماعیل به بهانه آن که این جماعت غالی هستند، به خوزستان حمله کرد و این دولت تحت الحمایه صفویان درآمد. اما آنچه مسلم است این که، قبایل جنوب ایران، بسیاری از همان دوران شیعه بودند.

از جمله قبایل مقتدر شیعی خوزستان قبیل ((کعب)) است که رؤسای آن از حاکمان بخش‌هایی از خوزستان بودند. آل کثیر در محدوده دزفول و شوشتر و بنی طرف در دشت میشان از جمله عشایر مهم این نواحی بودند. بنی طرف ابتدا در اطراف بصره می زیستند و همزمان با برپایی دولت مشعشعی به خوزستان آمدند و به آنان پیوستند و در اطراف خفاجیه (سوسنگرد) سکونت گزیدند.

---

\*. استاد دانشگاه



بسیاری از عشایری که در خوزستان شیعه بودند، به تدریج به عراق منتقل شده و تشیع را به آن ناحیه بردند. عکس آن هم وجود داشت، به طوری که برخی از عشایر وابسته به المنتفق از جنوب عراق به خوزستان آمدند. مهاجرت های عربی دیگری هم در این نواحی رخ می داد که به گسترش تشیع کمک می کرد. چنان که شماری از بحرینی ها به خوزستان آمده و ملقب به ((بحارنه)) شدند. گروهی هم از احساء آمدند که به نام ((الحساویه)) شهرت یافتند.

بنوساله شاخه ای از خزاعه بودند که در اوائل قرن سیزدهم هجری در العماره ساکن شدند. این قبیله در گذشته همپیمان مشعشعیان بودند و تاکنون هم بسیاری در خوزستان زندگی می کنند. همین طور طایفه کوچکی با نام الزابیه که به قصد زیارت عتبات مقدسه راهی عراق شده اما در منطقه هند به عراق - میان کربلا و حله - که از آن عبور می کردند، به دلیل امکان کشاورزی، ماندگار شدند. از این خاندان عالمان برجسته ای هم در نجف هستند از جمله خاندان بنت حجی است که اهل دین و ادب و شعر هستند.

گفتنی است که شمار زیادی از عشایری که در حویزه یکی از مراکز اصلی شیعه در خوزستان ساکن بودند، از سادات بودند و تاکنون نیز انساب آنان محفوظ است. گفتنی است که در خوزستان ایران، عشیره عرب سنی مطلقاً وجود ندارد.

جماعتی از شوشتریان هم که به نوشته خلیلی، صدها سال بود در نجف ساکن بودند و هنوز هویت شوشتری خود را تحت لوای این اسم نگاه داشته بودند، حسینی و موکب شوشتریه خاص خود را برای سوگواری داشتند.

## عراق فردا

محمد مجید الشیخ \*

خواهران و برادران عزیز

سخن گفتن دربارهٔ عراق بسی دشوار است. به راستی که از کجا بحث را آغاز کنیم، از گذشته، حال یا آینده؟ انتخاب هریک از این گزینه‌ها مستلزم توضیح ژرف و گسترده در خصوص سرزمینی است که تاریخ پرفراز و فرود شگفت‌انگیزی دارد.

عراق آوردگاه تمدن بشری به شمار می‌آید. سرزمینی که زادگاه انبیاء و مکان خاکسپاری ائمه اطهار (علیهم السلام) است. فرزندان بین‌النهرین در زمره پیشگامان خط و نگارش، کشاورزی و شناخت اعداد به شمار می‌آیند. در این گستره باستانی نخستین قانون برای ابناء بشر تدوین شد. خطه‌ای که دانشمندان، فیلسوفان، ادیبان، شاعران و مورخان بزرگی را به جهان معرفی کرده است.

خواهران و برادران گرامی

عراق سرزمینی است که آغوش خود را به روی اسلام گشود. دیری نپایید که کوفه و بغداد و دیگر شهرها به مثابه کانون روشنی بخش شهرهای اسلامی درآمد. عراق کمتر از یک سده است که به مثابه دولت - ملت جدید و مستقل در جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده است. لیک از بدو تأسیس تا حال حاضر آرامش و امنیت را به خود ندیده است. اتخاذ سیاست سرکوب و خفقان و ترور و ویژگی برجستهٔ تمامی دولتمردانی است که طی این مدت در عراق حکمرانی کردند. شاهد این مدعای ما رژیم منفور، نامشروع و مستبد صدام است که با ارادهٔ مثال‌زدنی و نیروی فرزندان غیور و فداکار عراق که در این راه میلیونها نفر را قربانی داد توانست این نظام ستمکار را سرنگون سازد

---

\*. سفیر عراق در جمهوری اسلامی ایران

و نسبت به برپایی دولت دموکراتیک ، عدالتخواه ، آزادیخواه، فدراتبو و مدافع حفوف بشر را جایگزین آن نماید.

اما وضعیت نوین به مذاق دشمنان انسانیت شامل تروریست ها ، تکفیری ها ، و سایر عناصرلشکریان سپاه شرارت و تاریکی خوش نیامد و تکاپوی آنان به منظور در تنگنا قراردادن عراقیان و ایجاد موانع بر سرراه پیشرفت و کامیابی آنان آغاز شد.

میهن عزیزمان امروز خواهان حسن همجواری با همه همسایگان و تمامی کشورهای جهان بر اساس اصول صحیح در برگیرنده منافع و مصالح ملی و جهاد ملی برای بازسازی و نوسازی و ساخت سرزمینی است با فرهنگ و مدرن شایسته گذشته تاریخی خود است و در این راه نیازمند یاری همه کشورهای منطقه و جهان است . عراق امروز به نمایندگی از ملت خود ، تمامی مسلمانان و اعراب و تمامی کشورهای متمدن سرگرم مبارزه ای مقدس با تروریست ها و تکفیری ها و دشمنان بشریت است و به یاری خدا در این راه موفق و پیروز خواهد بود. عراق می تواند الگویی برای کشورهای جهان باشد.

## منابع قدرتمندی شیعیان عراق

سید ریاض حکیم\*

پیوند سرزمین عراق با اهل بیت (علیه السلام) و پیروان آنها به دوره حکومت امام علی (ع) باز می گردد. نخستین امام شیعیان، سرزمین حجاز، آوردگاه وحی و مهد اسلام را ترک کرد و کوفه را به عنوان پایتخت خود برگزید. از آن روزگار ارتباط مستحکمی میان ملت عراق با اهل بیت برقرار شد. قدرت های ستمکار که سالها در عراق حکمرانی کردند تلاش فراوانی را به منظور محو هویت اسلامی این کشور و یا استحاله آن به عمل آوردند. آنان در این راه به لطایف الحیلی و با بهره گیری از شیوه های مزورانه مبادرت به دسیسه چینی نمودند لیک کمترین بهره را بردند. منابع قدرتمندی شیعیان در عراق به اختصار به چهار دسته تقسیمبندی می شود:

۱. حوزه علمیه
  ۲. اماکن مقدس
  ۳. کثرت عددی
  ۴. موقعیت استراتژیکی
۱. حوزه علمیه :

اقتدار حوزه علمیه را می توان از چند منظر مورد بررسی قرارداد. نخست، آن که حوزه حافظ کیان فرهنگی پیروان اهل بیت به شمار می آید و سد مقاوم در برابر تجاوز فرهنگی و هویت زدایی است. حوزه در برابر فعالیت ها و تحرکات مشکوک فرهنگی به ویژه پس از تهاجم نظامی به عراق در آغاز سده گذشته به خوبی نقش تاریخی و مسئولیت ساز خود را ایفا کرد.

---

\*. حوزه علمیه نجف

دوم ، آن که حوزه علمیه کانون جذب و اعزام طلاب علوم دینی (اسلامی و شیعی) به شمار می آید و از این رو حوزه بزرگ نجف به اعتبار آن که پایتخت جهان تشیع به شمار می آید باعث جلب شدن نگاه جهانیان به عراق شده است.

رژیم سابق حاکم بر عراق در رویارویی با حوزه متوسل به راهکارهایی شد: الف . تهی کردن حوزه علمیه از منظر بین المللی از رهگذر کوچ و راندن علما و طلاب غیر عراقی علوم دینی و جلوگیری از بازگشت آنان به عتبات عالیات . درگام نخست مبادرت به اخراج ایرانیان از عتبات شد و در اقدام بعدی سایر اتباع بیگانه و طلاب دیگر به ویژه لبنانی ها و شهروندان حوزه خلیج و دانشجویان مصری که از قضا برخی در زمره پیروان مذاهب اربعه بودند و به قصد کار وارد عراق شده و به مرور زمان که حقانیت مذهب تشیع برای آنها مسجل شده بود تغییر مسلک داده بودند، نیز مشمول پاکسازی واقع شدند . مرجع بزرگ وقت آیت الله العظمی خوئی به مسائل این گروه توجه ویژه ای داشت و فرزندش شهید سید محمد تقی خوئی را مکلف به آموزش آنان و رفع مشکلاتشان نمود، لیک حاکمیت بعث به این عده نیز رحم نکرد و مبادرت به اخراج آنان کرد.

ب . تکاپوی رژیم به منظور انضمام حوزه علمیه به وزارت اوقاف . سابقه چنین اقدامی به ابتدای دهه هفتاد میلادی قرن گذشته باز می گردد. اقدامی که واکنش مرجعیت دینی و برخی خانواده های اهل علم عراق را به همراه داشت که منجر به عقب نشینی نظام عقلی گردید.

ج . اجرای طرح ترور و قتل مراجع دین و عالمان و طلاب حوزه علمیه به خصوص عراقی ها تا حوزه، نیروهای اندیشمند و شخصیت های مبرز خود را از دست دهد و در ایفای نقش خود ناتوان ماند.

د. ممانعت از فعالیت های دینی و تبلیغاتی عالمان و اتخاذ ترفندهایی برای کاهش و قطع ارتباط مردم به ویژه جوانان با رجال دین از طریق کنترل مساجد و مراکز عبادی.

هد تکاپو برای سلطه بر مرجعیت دینی و اداره حوزه علمیه. رژیم نخستین بار در سال ۱۹۷۷ م چنین طرحی را تجربه کرد که با موضعگیری آیت الله خوئی ناچار به عقب نشینی گردید. پیروزی انقلاب اسلامی ایران بساط این طرح را برچید.

## ۲. اماکن مقدس:

وجود عتبات مقدسه: نجف، کربلا، کاظمین، سامراء و کوفه، حتی گورستان وادی السلام که آرزوی هر شیعه ای خاکسپاری در آن است باعث تقویت و استحکام پیوندهای ولایی عراقیان و تثبیت هویت اصیل اسلامی آنان می گردد. سفرهای شیعیان اقصی نقاط عالم برای زیارت به این زیارتگاه ها و دید و بازدیدهایی که منجر به کسب خبر و دریافت رهنمود و کمک های مادی و معنوی می گردد به تقویت این ابعاد مساعدت می نماید.

نقشه رژیم: حاکمیت بعثی برای کم رنگ کردن نقش اماکن مقدس طرح هایی را مطرح نظر و عمل قرار داد:

الف. جلوگیری از زیارت عتبات مقدس از سوی غیر عرب ها؛ برای این امر در هنگامه هایی هیأت های عراقی خود ساخته را در برابر هیأت های زائران غیر عراقی قرار می دادند.

ب. کنترل و تعقیب و مراقبت نسبت به زائران عراقی به ویژه جوانان و بازداشت آنها به اتهامات واهی. این اقدامات به خصوص در مواقع خاص چون مراسم ماه محرم تشدید می شد.

ج. تخریب بخش هایی از گورستان وادی السلام و ممانعت از دفن پیکر عراقیان دیگر شهرها در آن. البته در جریان جنگ عراق با ایران استثنائاً شاهد لغو این بخشنامه بودیم.

## ۳. کثرت عددی:

رژیم صدام تلاش بسیاری را برای تغییر نسبت مسلکی در کشور به خرج داد که البته موفقیتی نیز در این راهها به دست نیاورد.

الف. درگیر کردن کشور و نیروی انسانی آن با جنگ های ابلهانه و اعزام شیعیان به جبهه های نبرد. یاد آور می شود بیشترین تلفات و قربانیان جنگ از آن شیعیان بود. فشارهایی که برای اعزام نیرو از شهرهای شیعه نشین به جبهه های نبرد صورت می گرفت در دیگر بخش های کشور کم سابقه است.

ب. اجرای پروژه قتل درمانی و کشتارهای دستجمعی که هدف نخست آن پیروان اهل بیت بودند. بر مبنای آگاهی ها از زمان فروپاشی حاکمیت عقلی تا حال حاضر حدود ۳۰۰ گور دستجمعی شناسایی شده است که بیشتر قربانیان آن شیعیان هستند و مابقی متعلق به کردها است.

ج. اخراج ایرانیان، پاکستانی ها و افغانی های شیعه از عراق و مستثنی کردن ایرانیان ارمنی از این امر که نشان دهنده رویکرد طایفه ای حاکمیت است.

د. صدور قانون ارائه تابعیت به اتباع عرب بدون هیچ شرطی، حال آن که دیگر کشورهای عربی با شهروندان عراقی چنین رفتاری را نداشتند.

#### ۴. موقعیت استراتژیکی

شیعیان بیشترین سکنه بغداد، پایتخت عراق را تشکیل می دهند. آنان در مناطق حاصلخیز و استراتژیکی در فرات میانه و جنوب کشور و در ناحیه بین النهرین در کنار دو رود دجله و فرات و خلیج و بصره بسر می برند جایی که منابع نفت و گاز قرار دارد. رژیم صدام در دسیسه ای تلاش خود را برای بر هم زدن این وضعیت در ابعاد جمعیتی، اداری، اقتصادی آغاز کرد.

الف. تقسیمبندی بغداد به دو منطقه سنی و شیعه نشین.

ب. تلاش برای اخراج شیعیان از بغداد و تصویب قانونی که شهروندان پس از سال ۱۹۵۸ ناچار به کوچ از آن شوند به استثنای اهالی تکریت.

ج. توسعه استان تکریت و قطع ارتباط شهرهای بلد و دجیل که در نزدیکی بغداد قرار دارند و الحاق آن به استان جدید صلاح الدین.

د. دگرگونی مرزهای برخی استان ها و شهرها. توسعه استان الانبار به شکل

غیر منطقی به ویژه نسبت به مساحت استان کربلا که الانبار تقریباً ۱

هد سرمایه گذاری های استراتژیک و زیربنایی از رهگذر ساخت کارخانه ها و نیروگاهها و پروژه های حساس در مناطقی که حضور شیعیان در آن کم رنگ است. از این رو ملاحظه می شود که پس از سقوط رژیم صدام بیشتر پالایشگاه ها و نیروگاههای برق عراق در مناطقی قرار دارد که در اختیار تروریست ها قرار دارد و آنها نیز در راه برق رسانی و صادرات نفت خلل ایجاد می کنند.



## آخرین تحولات روابط دو جانبه و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در عراق

حسین امیرعبداللہیان \*

جمهوری اسلامی ایران به عنوان همسایه عراق با مرزهای طولانی مشترک بین دو کشور و روابط دیرینه فرهنگی، مذهبی و تاریخی و عواطف عمیق انسانی، نگاه خاص و توجه ویژه ای به این کشور دارد و از روند شکل گیری عراقی مستقل، آباد، آزاد و امن و برخاسته از آرای مردم این کشور حمایت می کند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به آسیب ها و صدماتی که از سوی صدام و حامیان او به ویژه آمریکا در طی چند دهه اخیر متحمل شده است، با سیاست یکجانبه گرایی آمریکا در عراق مخالف است، ولی به منظور کمک به دولت و مردم عراق و فراهم آوردن زمینه ای برای بازسازی اساسی و گسترده این کشور، پذیرفت که در موضوع ((گفتگو با آمریکائی ها)) نیز در کنار مردم عراق باشد.

متاسفانه اشغالگران به دلیل عدم شناخت کافی از جامعه عراق و شرایط آن، تاکنون در برقراری امنیت در این کشور ناتوان بوده اند و به جای پذیرفتن مسئولیت های ناشی از اشغال، با بی مسئولیتی و فرار به جلو، به متهم کردن دیگران پرداخته اند. چنین روشی تنها منعکس کننده تلاش عاملان اصلی بحران عراق جهت فرافکنی و سرپوش نهادن بر شکست آشکار طرح ها و برنامه های حساب نشده آنان است.

جمهوری اسلامی ایران حمایت از دولت و مجلس ملی عراق را در دستور کار خود قرار داده است و در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی در حال رایزنی با مقامات عراقی برای کمک به این کشور می باشد.

---

\* رئیس ستاد ویژه عراق وزارت امور خارجه

- محورهای مهم استراتژی جمهوری اسلامی ایران درخصوص عراق را می توان چنین بر شمرد:
۱. بسط و گسترش روابط دو جانبه میان دو کشور.
  ۲. حمایت از دولت و ملت عراق در همه ابعاد سیاسی ، اقتصادی و امنیتی .
  ۳. تلاش بر ایجاد وحدت داخلی و صلح و آرامش بین گروه های مختلف عراقی.
  ۴. رایزنی با دوستان عراقی اعم از کرد، شیعه و سنی برای تقویت آشتی ملی و همکاری گسترده با دولت آقای مالکی.
  ۵. افزایش تبادل هیأت های مختلف با عراق.
  ۶. تلاش برای تحقق طرح های کمک بازسازی عراق ( اعتبار یک میلیارد دلاری و کمک بلاعوض ۱۰ میلیون دلاری).
  ۷. رایزنی با دولت های منطقه و جامعه بین المللی برای کمک به دولت عراق و ایجاد فشار بر نیروهای خارجی برای ارائه جدول زمانبندی خروج از عراق.
  ۸. کمک به رفع مشکلات امنیتی و ارتقای رفاه و معیشت عراق (برق و سوخت و ...) از طریق طرح های سیاسی و اقتصادی .

## منافع کشورهای عرب همسایه در عراق

### ناظم دباغ\*

کردها در کنار هموطنان عراقی خود نقش مهمی در سرنگونی رژیم دیکتاتوری بعث حاکم ایفا کردند و در این راه از بذل جان کودکان، سالخوردگان، جوانان، زنان و مردان خود دریغ نرزدند. اپوزیسیون کرد فعال بر ضد نظام عفلق صدام متبلور در حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان عراق به زعامت جلال طباطبانی، یکی در اربیل و دیگری در سلیمانیه جبهه قدرتمندی را در شمال و جنوب کردستان عراق پدید آوردند. این جبهه همواره خواهان عراق دموکراتیک و فدراتیو بوده است.

در پی سرنگونی رژیم صدام و تأسیس دولت مردمی و مبتنی بر آرای مردم عراق، اوضاع رو به وخامت غیر عادی نهاد. دولت امروز عراق با بحران های امنیتی و درگیری های قومی شگفت انگیزی مواجه است. عراق با شش کشور دارای مرز مشترک است که چهار کشور آن عربی هستند و بحث تأثیر دولت های همسایه به ویژه عرب در عراق از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد.

موضوع توانایی دولت عراق در رویارویی و مهار و حل مشکلات و معضلاتی که اکنون گریبانگیر شده است حائز بسی اهمیت است. تکوین دولت مرکزی ائتلافی بغداد با مشارکت مردم کردستان و نقش تعیین کننده کردها در تلاش برای حفظ و بقا و تحکیم دولت ائتلافی آقای نوری المالکی، روابط کردهای عراقی با دولت مرکزی در بغداد و نیز روابط پر اهمیت و حیاتی با جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم محسوب می شود.

---

\*. رئیس دفتر اتحادیه میهنی کردستان عراق در ایران

موضوع تشریح منافع چهار کشور عربستان سعودی ، اردن، سوریه و کویت در  
عراق جدید محور اصلی این مبحث به شمار می آید.

## مدل نظام سیاسی نوین عراق

سید محسن حکیم \*

عراق در طول تاریخ یکی از پر آشوب ترین سرزمین هایی است که نه تنها این کشور بلکه کل منطقه عربی و جهان اسلام را درگیر معضلات خویش کرده است. نیم نگاهی به پیشینه تاریخی این گستره ما را به باز خوردهای مهمی سوق می دهد که شاید مهم ترین آن حاکمیت ستمکار و سرکوب و قلع و قمع فزاینده و توتالیتر مطلق که ملت مظلوم این کشور را به ستوه کشانده است.

در بررسی موشکافانه که از دلایل پیدایی این پدیده شوم می توان به آن دست یافت این است که سه فاکتور مهم دیکتاتوری فراشمول، آپارتاید قومی نسبت به کردها و ترکمن ها و آشوری ها و ژنوسایدی که نسبت به شیعیان انجام می گرفت از علل اساسی این نا آرامی و خشونت های فجیع به شمار می آید.

همواره اقلیتی که به نام اهل تسنن افسار حکومت عراق را در دست داشتند تلاش کردند با ایجاد نظام پلیسی و ددمنش اکثریت قاطع ملت را سرکوب و به آنان اجازه نفس کشیدن و بهره وری از آزادی های مشروع یا فعالیت های قانونمند را ندهند تا اینکه کار به جایی رسید که حتی برپا کردن روضه عزاداری یا گریه بر سید شهیدان امام حسین علیه السلام نیز بدون اجازه رژیم حاکم جرم تلقی گردید.

بی شک این ستم تاریخی با واکنش های متعددی رو به رو شد که نتیجه نهایی آن سرنگونی رژیم منحوس بعث حاکم بر عراق بود. برخی تصور می کنند که ایالات متحده آمریکا صدام و نظام پوسیده و مندرس آن را سرنگون کرد اما نظر ملت عراق چیز دیگری است.

---

\*. مشاور سیاسی رئیس مجلس اعلاي اسلامي عراق

تلاش های فزاینده فرزندان برومند این ملت و خون های پاکى که در راه آزادى و استقلال و عدالت در این سرزمین مقدس بر زمین ریخته شده و مبارزات حق طلبانه اى که به وسیله معارضان عراقى انجام گرفت، رژیم را تا اندازه اى سست و زیر ساخت های آن را تضعیف کرد و آمریکا از این فرصت تاریخی استفاده و تنها تیر خلاص را بر آن زد.

به دنبال سرنگونی صدام و در مرحله دولت سازی، ایده ها و دیدگاه های مختلف مطرح شد که در اینجا باید به دیدگاه شهید آیت الله سید محمد باقر حکیم (ره) اشاره کرد.

ایشان معتقد به تاسیس جامعه و دولت مدرن در عراق بود. جامعه اى که بتواند حقوق سایر گروه های تشکیل دهنده بافت اجتماعى این کشور را حفظ و در امتداد وحدت و همبستگی ملی عراق گام بر دارد. جامعه اى که با محور قرار دادن اسلام به عنوان دین اکثریت ۹۸٪ عراقیان راه رشد و تعالی و پویایی خود را ببیماید و با اتکاء به رای مردم و انتخاب دولت مردمی مدل جدیدی از عراق را به جهانیان معرفی نماید.

ویژگی های دولت مدرن از دیدگاه شهید سید محمد باقر حکیم که در اولین روز ورود ایشان به بصره بیان شد بدین شرح است:

۱. محوریت اسلام در سطوح مختلف قانونگذاری، فرهنگ سازی،

تبلیغات و اطلاع رسانی، آموزش و پرورش و ...

۲. توجه به دو قشر مهم جامعه عراق یعنی زنان و جوانان که تشکیل

دهنده بخش اعظم این جامعه می باشند که باید اهتمام ویژه اى به

حقوق و نیازهای آنان صورت گیرد.

۳. حکومت باید دولت نهادهای حاکم و نه اشخاص حاکم باشد چرا که

همواره یکی از مهم ترین مشکلات عراق حکومت اشخاص با

شخصیت محوری دیکتاتورها بوده است که راه را بر هرگونه فعالیت

نهادهای مدنى مسدود می کرد و با تقدیس از حاکمان ظالم

مخالفت با آنها را مخالفت با قانون و شریعت جلوه گر می کرد.

۴. ضرورت حفظ استقلال سیاسی و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی عراق. دولت مدرن از نظر شهید حکیم دولتی است که در راستای به دست آوردن استقلال سیاسی و حاکمیت ملی خود تلاش کند و راه را بر هرگونه اعمال نظر و فشار دولت های خارجی ببندد و تنها تابع منافع و امنیت ملی عراق باشد.

۵. توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی. دولت مدرن دولتی است که با در نظر گرفتن منافع مادی و مشروع مردم در جهت توسعه و شکوفایی اقتصادی عراق گام بر دارد و تلاش کند تا زندگی کریمانه ای برای هموطنان خود فراهم کند و با گسترش شبکه تامین اجتماعی از خانواده های مستضعف و فقیر و مستمند حمایت های لازم را به عمل آورد.

۶. همزیستی مسالمت آمیز با سایر کشورها و احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر. از ویژگی های دیگر دولت مدرن در پیش گرفتن سیاست حسن همجواری و همزیستی مسالمت آمیز با سایر کشورهای دوست است. متأسفانه سیاست های رژیم بعثی صدام همواره در جنگ افروزی و تجاوزگری بوده، به شکلی که در دو دهه اخیر شاهد سه جنگ خانمان سوز در منطقه بودیم که نتیجه ای جز ویرانی و تخریب زیر ساخت های اقتصادی و نظامی کشورهای مسلمان منطقه نداشته است. در عراق جدید با رویکردی مسالمت آمیز باید در صدد بهینه سازی و نوسازی روابط با سایر کشورهای دوست و مسلمان بود.

۷. توسعه علمی و رشد مراکز دانشگاهی. از ویژگیهای دیگر دولت مدرن توسعه علمی و رشد مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی و بررسی های استراتژیک است چون بنیه علمی هر جامعه ای در میزان توانمندی آن تاثیر بالفعل دارد.

به هر ترتیب نظام سیاسی عراق که مبتنی بر رای ملت است آزادی ها و حقوق سایر اتباع ملت را حفظ می کند و می تواند بستر خوبی برای ساخت

سیاسی - اجتماعی نوین عراق باشد، ساختی که حقوق حقه سایر شهروندان عراقی را به دور از هرگونه گرایش یا تبعیض سیاسی یا قومی یا دینی در نظر بگیرد .



## پیشگامان جهاد و مقاومت

عباس الدهلکی (ابوضحی) \*

حزب الدعوه اسلامی در پناه مرجعیت دینی به سال ۱۹۵۷ م مقارن میلاد پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد(ص) در شهر کربلا تأسیس گردید. جمعی از نخبگان، عالمان و اندیشمندان مانند امام شهید سید محمد باقر صدر، آیت الله شهید سید محمد مهدی حکیم و علامه سید مرتضی عسگری در زمره بنیاد گذاران حزب به شمار می آیند.

تکوین حزب الدعوه به ویژه در فضای پس از رخدادهای انقلاب ۱۹۲۰ که یأس و ناامیدی در جامعه عراق حاکم بود از اهمیت به سزایی برخوردار است. استکبار بین المللی و در رأس آن انگلیس موفق به سرکوب پیامدهای انقلاب ۱۹۲۰ عراق در دورهٔ قیمومت شده بود.

سرخوردگی، انزوا و انفعال در جای جای جامعه مشهود بود از سوی دیگر برآمدن جریان چپ غیر مذهبی و تبلیغات گسترده کمونیست ها در عراق، همچنین فشاری که از سوی ملی گرایان افراطی نسبت به نیروهای دیندار جامعه وارد می شد شرایط را دشوار کرده بود. کمتر کسی شعار تظاهرکنندگان خیابان های بغداد در آن ایام را فراموش کرده است که چگونه مارکسیست ها و رادیکال های قومی گرا خواهان به رودخانه افکندن روحانیان و متدینین بودند.

در وضعیتی که ترس و وحشت در جامعه مستولی شده بود و کمتر کسی جرأت نطق کشیدن و مخالفت با این اوضاع را داشت، فرزندان غیرتمند بلاد را فادین به تاسی از مرجعیت انقلابی و بیدار دینی چراغ این حرکت مبارک را برافروختند. دیری نپایید که حدود یک دهه بعد با وقوع کودتای دیگری در عراق و روی کار آمدن نظام عقلی شرایط رو به وخامت بیشتر نهاد. دو سال

---

\*. رئیس دفتر حزب الدعوه اسلامی عراق در ایران .

از روی کار آمدن بعثی ها نگذشته بود که آنها بر ضد مرجعیت ، حوزه علمیه و شریعت مداران اعلام جنگ کردند. بیت امام سید محسن طباطبایی حکیم به محاصره درآمد و فرزند وی محمد مهدی حکیم ناگزیر به مهاجرت از عراق شد. مأموران رژیم نسبت به دستگیری استاد جلیل عبدالصاحب دخیل اقدام کردند و حکم اعدام وی به سال ۱۹۷۰ در حوضچه مملو از اسید به اجرا در آمد! شماری از تصمیم سازان و کادرهای حزب همچون شیخ عارف بصری و برادران ایمانی وی در شاخه ((هدی)) هدف موج بازداشت در ۱۹۷۴ واقع شدند. همان سال نیز شاهد حصر آیت الله سید محمد باقر صدر و اعمال تضيیقات بی سابقه برای هیأت های عزادارای سیدالشهداء علیه السلام هستیم که منجر به قیام مردمی مشهور به ((انتفاضه صفر)) در سال ۱۹۷۷ گردید.

حاکمیت بعثی حلقه محاصره نیروهای اسلامگرا را روز به روز تنگ تر می کرد که اوج آن را می توان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) ملاحظه کرد. فشار به جریان اسلامگرا با کنار نهادن احمد حسن البکر و روی کار آمدن صدام تکریتی مضاعف شد. این امر به بازداشت اندیشمند بزرگ سید محمد باقر صدر و اعدام مظلومانه وی و خواهر فاضل و علویه اش بنت الهدی انجامید.

دیری نپایید رژیم نامشروع و غیر قابل اصلاح صدام جنگ بر ضد جمهوری اسلامی ایران و البته با حمایت استکبار جهانی را آغاز کرد. حاکمیت اسلام انقلابی در کشور همجوار عراق، آن هم در ایران که موفق به سقوط رژیم شده بود برای صدام غیر ممکن بود هر چند این اقدام صدام خائن، با درایت و هوشمندی امام خمینی (ره) و فرزندان قهرمان ایران جز خسران و شکست برای بعثی ها چیزی عایدشان نکرد و جمهوری اسلامی پس از جنگ قدرتمند تر از گذشته شد.

اما جنبش اسلامی در عراق به رغم دستگیری ها ، شکنجه ها ، اعدام های دسته جمعی به خصوص پس از قیام مردمی ((انتفاضه شعبانیه)) در سال ۱۹۹۱ که صدام به دستور و همکاری امریکایی ها نسبت به سرکوب وحشیانه آن اقدام کرد، پر صلابت به حرکت خود ادامه می داد مجاهدان مؤمن عراق

موفق شدند در سال ۱۹۹۶ فرزند فاسد و جنایتکار صدام ((عدی)) را هدف سوء قصد قرار دهند. عملیات مسلحانه شهری تا سقوط صدام و فروپاشی نظام ننگین وی در سال ۲۰۰۳ همچنان ادامه یافت.

به رغم آن که رژیم حاکم عراق حدود چهل سال نسبت به سرکوب مجاهدان عراق اقدام کرده اما تقدیر خداوند چنین بود که نخستین رئیس مجلس حکومتی عراق پس از سقوط صدام، همچنین رئیس حکومت منتخب موقت و نخستین رئیس حکومت منتخب دائمی همگی از حزب الدعوه اسلامی باشند تا حال حاضر که حزب به فعالیت های سیاسی، اجتماعی، اطلاع رسانی و تبلیغاتی زیر سایه مرجعیت دینی و با هماهنگی با دیگر نیروهای سیاسی اسلامی صحنه عراق ادامه می دهد.

## مرجع مجدد

### صفاء الدین تبرائیان \*

خاندان حکیم از قدیمی ترین خانواده های طباطبایی است که پس از سده دهم هجری قمری از اصفهان به نجف مهاجرت کردند. یکی از مفاخر این خاندان اصیل و ریشه دار سید محسن حکیم است که در زمره فقها و مراجع نامدار تاریخ تشیع به شمار می آید .

آیت الله العظمی حکیم در برهه حساسی از تاریخ، که جهان اسلام، دنیای عرب و منطقه کمتر شاهد آن بود زندگی کرد. سقوط دولت بزرگ عثمانی، وقوع جنگ های جهانی اول و دوم، اشغال نظامی برخی کشورهای اسلامی، تکوین کشور اسرائیل و نبردهای اعراب با این رژیم، تهاجم فکری و فرهنگی گسترده قدرتمندان غربی به حوزه کشورهای اسلامی، پیدایش جریان ها و نحله های ایدئولوژیک و سیاسی نوین، و پیدایش احزاب و تشکل های اسلامی از مهم ترین آنها به شمار می آید.

با آغاز جنگ جهانی اول و در پی آن اشغال عراق توسط نیروهای انگلیسی، حکیم همراه با جمعی از علمای مجاهد به منظور بیرون راندن متجاوزان از سرزمین بین النهرین، رهسپار منطقه عملیاتی ((شعیبه)) شد. وی به اعتباری قائم مقام فرماندهی این محور به شمار می آمد. ایشان روزهای متمادی در این جبهه با نظامیان انگلیسی جنگید .

آیت الله حکیم نزد اساتیدی چون آیات عظام : شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا حسین نائینی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد سعید حبوبی و ... تلمذ کرد. وی از مراجع نادر سده اخیر است که از هوشمندی سیاسی منحصر به فردی بهره مند بود. به باور سید حکیم (( اگر سیاست به معنای اصلاح امور مردم و تلاش برای

\* پژوهشگر ارشد تاریخ سیاسی عراق موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

افزایش پیشرفت آنها و بهینه کردن کارهایشان باشد، دین اسلام چیزی جز پرداختن به این امور نیست، چرا که اسلام همه اش همین است و مسلمانان با همهٔ توان باید بدین امور بپردازند.))

حکیم از مراجع انقلابی و سیاسی شیعه است که در زمانه خود حکومت چند پادشاه و رئیس جمهور در عراق را درک کرد. برخورد او با فیصل دوم بسی پند آموز است. ایشان تنها یک بار آن هم در غیاب مرجع عالیقدر وقت یعنی حضرت سید ابوالحسن اصفهانی که به دلیل بیماری در لبنان بسر می برد تن به ملاقات با پادشاه داد. در این دیدار دو تن از یارانش آیات شیخ محمد جواد جزائری و سید محمدعلی بحر العلوم او را همراهی می کردند و ملک فیصل همراه با عبدالاله و نوری سعید در صحن علوی حضور یافته بود. حکیم فرصت را مغتنم شمرد و مشکلات مردم را با مقامات عالیرتبه عراق در میان نهاد لیک چند سال بعد به دلیل بی توجهی فیصل دوم و به رغم اصرار اطرافیان حاضر به ملاقات با او نشد. ایشان اقدام حکومت فیصل در سرکوب تظاهر کنندگان عراقی که در حمایت از مصر در بحران کانال سوئز و برضد فرانسه، انگلیس و اسرائیل به خیابان ها ریخته بودند را محکوم کرد و طی نامه ای مراتب انزجار خود را از اقدامات مأموران حکومت به فیصل اعلام کرده و به همین مناسبت به منظور اعتراض به زخمی شدن معترضان و دستگیری شماری از مردم از حضور در نماز جماعت که روزانه در سه نوبت آن را قامه می کرد خودداری ورزید، اقدامی که منجر به تعطیلی تمامی نمازهای جماعت نجف شد و موجی از مخالفت و اعتصاب شهرهای عراق را فرا گرفت که سرانجام به عذرخواهی کارگزاران دولتی و آزادی زندانیان انجامید.

برکشیده شدن عبدالکریم قاسم وضعیت نوینی را در عراق پدیدار ساخت. جو رعب و وحشت ناشی از کودتای ۱۴ تموز (ژوئیه) ۱۹۵۸ و فشارهای وارده مبنی بر مخابره تلگراف تبریک به رهبر کودتا باعث نشد تا این مرجع آگاه، تسلیم شود و به طور قاطع از اجابت خواسته آنان سرباز زد. وی هنگامی که حاکمیت به تحریک مارکسیست ها اجازه چاپ و انتشار کتابی درباره حجاب

را نداد، در برابر این حرکت واکنش نشان داد به گونه ای که در کمترین زمان مجوز طبع اثر از سوی مقامات دولتی صادر شد.

در پرتو حمایت او (( احزاب الدعوه اسلامیه)) توسط شماری از شاخص ترین روحانیان، آیات: سید محمد باقر صدر، سید محمد مهدی حکیم، سید مرتضی عسکری، سید محمد باقر حکیم، سید محمد حسین فضل الله و شیخ محمد مهدی شمس الدین بنیاد نهاده شد. ایجاد تشکل های دیگری مانند ((جماعه العلماء)) ثمره جانبداری های حکیمانه این مرجع روشن ضمیر است. سید حکیم به هنگام اوجگیری فزاینده فعالیت کمونیست ها و نفوذ آنان در دستگاه های اداری و حکومتی که با چراغ سبز حاکمیت قاسم در آن مقطع زمانی انجام می شد فتوای معروف ((الشیوعیه کفر و الحاد)) را صادر کرد. در دوره دیگری به دنبال کودتای عبدالسلام عارف، نمایندگان دولت از زعیم حکیم شیعیان درخواست تأیید اقدام رهبر کودتا چیان را مطرح کردند که با پاسخ منفی ایشان روبرو شدند. چندی بعد در پی کشته شدن عبدالسلام عارف در سانحه هوایی، برادر وی عبدالرحمن عارف روی کار آمد. حاکمیت عراق یک فرصت تاریخی و طلایی را از دست داد و پیشنهاد حکیم مبنی بر این که ((باید نظامیان کنار گذاشته شوند و شورای رهبری سه نفره زمام امور کشور را به دست گیرد و ما آماده ایم تا توافق کنیم و شما یکی از آن سه نفر باشید)) را نپذیرفت. در آن ایام نگاه همه معطوف به نجف بود و شعار مردمی ((سید محسن قائدنا و النجف عاصمتنا)) لحظه ای قطع نمی شد.

حکیم نسبت به فعالیت های اجتماعی و فرهنگی توجه خاصی را نشان می داد آثار خدمات فرهنگی آن بزرگوار از رهگذر احداث کتابخانه ها و ایجاد موسسه ها و جمعیت های خیریه مشاهده می شود اقداماتی که در گسترش فرهنگ و اندیشه اسلامی در عراق بسی موثر بود. گفته می شود تا هنگام رحلت حکیم شمار کتابخانه های عمومی او به بیش از یکصد رسیده بود. افزون بر کتابخانه هایی که در جاکارتا (اندونزی)، حمص (سوریه)، کرمانشاه (ایران)، بیروت (لبنان)، قاهره (مصر) احداث کرد.

دفاع از حقوق شهروندان عراقی برای این مرجع مردمی که پیوندهای گسترده ای با قشرهای مختلف مردم ، عشایر، فرهنگیان ، اقلیت ها و ... در عراق داشت از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود. یکی از مهم ترین گردهمائی های سیاسی حکیم با علما روز اربعین ۳۰ خرداد ۱۳۴۴ در کربلا بود که به منظور محکوم کردن اعلام جنگ ظالمانه حاکمیت عبدالسلام عارف بر ضد هموطنان کرد عراقی انجام گرفت. حکیم به همین مناسبت روحانیان و فرهیختگان را به کربلا فراخواند. این درحالی است که عارف برخی علما را برای شرکت در کنفرانس اسلامی خود خوانده به بغداد دعوت کرده بود، اجتماعی که در آن مفتی بغداد و شیخ الازهر حضور یافتند و هدف آن اعلان جنگ بر ضد کردهای عراق به عنوان این که ((باغی)) هستند و مشروعیت بخشیدن به اقدام عارف برای کشتار آنان بود. نقشه و دسیسه ای که با هوشیاری و مانور مدبرانه و حکیمانه ایشان ناکام ماند . رای و نظرگاه مرجع شیعه دایر بر حرمت جنگ با کردهای مسلمان عراقی ، که همگان آگاهند اکثریت آنها سنی هستند در تقابل با اقدامات حاکمیت سنی مسلک، بسی جالب توجه است چنان که چنین موضعگیری ای را در جنگ جهانی اول شاهد هستیم که چگونه مراجع و علمای مجاهد شیعه در کنار حاکمیت سنی عثمانی به اعتبار این که دولت اسلامی است در برابر متجاوزان کافر انگلیسی وارد نبرد شدند حال آن که اعراب سنی مقیم حجاز در خدمت انگلیسی ها و بر ضد ترکان سنی عثمانی عمل کردند.

آیت الله حکیم از معدود مراجعی است که هنگامی که متوجه شد حاکمیت پهلوی مبادرت به شناسایی رژیم اشغالگر قدس نموده است در مکتوبی خطاب به آیت الله بهبهانی در تهران ، نگرانی خویش را آشکار کرد. وی همچنین از سفیر ایران در بغداد خواست به دولت متبوع خود هشدار دهد دست از این اقدام بردارد. افزون بر این حکیم از معدود مراجعی است که پیوستن به صفوف فدائیان و سازمان های مسلح فلسطین برای آزاد سازی قدس شریف و سرزمین های اسلامی غصب شده توسط صهیونیست ها را نه

تنها جایز بلکه برترین اعمال و مهم ترین واجبات دینی بر شمرده و مصرف زکات را در این راه مجاز دانست.

باید دانست حکیم مرجعی گوشه گیر و کنج عزلت نشینی نبود که نسبت به اوضاع مسلمانان در مناطق مختلف جهان بی تفاوت و منفعل باشد. برخورد آن مرحوم با تصویبنامه انجمن های ایالتی و ولایتی ، اصلاحات ارضی ، حمله نیروهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه ، رخداد ۱۵ خرداد، محاکمه گروه بخارایی، تبعید روحانیان مبارز، صدور حکم اعدام حجت الاسلام شیخ محی الدین انوری و ... نشان دهنده بذل توجه اوست، هرچند موضوع تنها به ایران ختم نمی شود و ایشان در خصوص اعدام سید قطب ، عالم سرشناس اهل سنت و شماری از اعضای گروه (( اخوان المسلمین)) توسط حاکمیت جمال عبدالناصر در مصر نیز واکنش نشان داد، این در حالی است که برخی عالمان بزرگ در برابر اعدام سید مجتبی نواب صفوی و همزمانش در جمعیت ((فدائیان اسلام)) واکنشی نشان ندادند.

با روی کار آمدن حاکمیت عقلی بعثی اوضاع عراق رو به وخامت نهاد بعثی ها به چیزی جز حذف اسلام نمی اندیشیدند. حکیم ناگزیر سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفت و به نمایندگان خود دستور داد از رویارویی سازش با رژیم جدید خودداری ورزند و خود نیز از پذیرش سران حزب بعث امتناع کرد. وی سنوات آخر عمر را در حصر بسر برد و شاهد بی حرمتی های این حزب جنایتکار در ابعاد مختلف بود.

حکیم یگانه مرجع تاریخ تشیع است که هفت فرزند وی به شهادت رسیدند هرچند شمار شهدای بیت معظم حکیم تاکنون به ۶۵ نفر رسیده است.



## سیر تطور مجلس اعلا از آغاز تا امروز

ماجد غماس ( ابوعارف) \*

دلایل چندی موجب پیدایش ((مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق)) گردید که می توان مهم ترین آنها را این چنین بر شمرد.  
الف. اوضاع سیاسى ویژه ای که در عراق به خصوص به دنبال پیروزی انقلاب اسلامى ایران پدیدار شد و متعاقب آن جنگی که صدام بر ضد ایران به راه انداخت.

ب . نیاز مبرم به پر کردن خلاء رهبرى در صحنه سیاسى عراق.  
ج . ضرورت سازماندهی اقدامات مشترک اپوزیسیون اسلامى عراق.  
و اما مجلس اعلا به سال ۱۹۸۲ م تأسیس گردید. پیدایش مجلس در پی انجام رایزنی های فراوان نخبگان معارض در صحنه سیاسى عراق صورت گرفت که شامل گروه های مختلف مانند حزب الدعوه، جماعت علما، سازمان عمل، سربازان امام (جندالامام)، نیروهای مستقل و افزون بر این آقای حکیم بود. توافق مشترک همه این گروه ها یافتن راه حلی به منظور خروج از بن بست سیاسى موجود و اتفاق نظر بر تعیین نوع سمت گیری در رویارویی با رژیم ظالم حاکم بر عراق بود.

مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق سه مرحله معین را پشت سر نهاد.  
نخست ، مرحله تأسیس که بنیادگذاران مجلس متشکل از ۱۷ عضو بودند که نمایندگی جریان خاصی را چنان که ذکر شد بر عهده داشتند و در میان آنان سیاستمداران و روحانیون شناخته شده ای حاضر بودند.

مرحله دوم، گسترش و تحول مجلس را در پی داشت و شمار اعضای مجلس به ۳۳ نفر افزایش یافت.

---

\* . رئیس دفتر مجلس اعلاى اسلامى عراق در ایران

مرحله سوم شاهد رشد روزافزون مجلس و افزایش شمار نمایندگان آن به مثابه ((پارلمان در تبعید)) به ۸۰ نفر هستیم و نظامنامه و مرامنامه و آئین نامه هایی که به همین منظور از سوی مجمع عمومی تهیه و تدوین گردید. اما مهم ترین مراحل که مجلس اعلا پشت سر نهاد به صورت مختصر یاد آوری می شود:

۱. تأسیس سازمان نظامی و بسیج مردمی که با حضور نیروهای داوطلب مجاهد عراقی چندی بعد منجر به پیدایش سپاه بدر شد.
۲. برقراری آتش بس در جنگ عراق و ایران و شرایطی که پس از توقف جنگ پدیدار شد.
۳. قیام مردمی که به انتفاضه ماه شعبان در سال ۱۹۹۱ انجامید.
۴. توجه افکار عمومی، بین المللی و منطقه ای به اصلاح ناپذیر بودن رژیم دیکتاتوری حاکم بر عراق.
۵. فروپاشی رژیم صدام و ورود نیروهای مجلس به موطن خود.
۶. ورود حضرت آیت الله سید محمد باقر حکیم، رئیس مجلس اعلا به عراق و استقبال بی نظیر مردم از معظم له و شهادت ایشان پس از سه ماه و ۱۹ روز پس از اقامه نماز جمعه در حرم علوی در نجف اشرف.
۷. برگزاری انتخابات در بستری دموکراتیک و تشکیل ائتلاف یکپارچه عراق.
۸. برگزاری نهمین کنگره مجلس اعلا و تغییر نام مجلس.

## اشغال عراق و تأثیرات منطقه ای

سیدجواد طالب (ابو مجاهد) \*

مطرح کردن این مبحث، مستلزم پرداختن به پنج موضوع فرعی زیر می باشد که به اختصار و گذرا بدان اشاره می شود.

۱. رها کردن عراق در حالت سرگردانی و بلا تکلیفی آن هم در موقعیتی که با بحران های سیاسی ، اقتصادی و امنیتی دست و پنجه نرم می کند.

۲. نقش مخرب آمریکا که ردپای آن را می توان در بحران های گوناگون و بهره ای که از آشفتگی و نابسامانی اوضاع عراق می برد جست و جو کرد.

۳. درماندگی نظام های عربی که بوی تعفن آن به مشام می رسد و پوچی و ناتوانی آن محسوس است.

۴. هدف های آمریکا در اشغال عراق را می توان به سه بخش تقسیم بندی نمود:

الف . تثبیت هژمونی امریکا در جهان و حفظ اقتدار این ابر قدرت در حوزه انرژی .

ب . حمایت از رژیم صهیونیستی در منطقه و تضمین برتری نظامی آن با در نظر گرفتن تفکیک برخی راهکارهای حاکمیت صهیونیستی از آمریکا در برخی موارد .

ج . سلطه بر یکی از مهم ترین مناطق استراتژیک که نقش مهم و حیاتی در تأمین منافع قدرت های بزرگ را ایفا می کند.

۵. بازگشت به برخی رویکردهای دولتمردان تصمیم ساز در واشنگتن .

---

\* . مشاور سیاسی ابراهیم جعفری .

- الف . محافظت از اوضاعی که در خدمت منافع امریکا قرار دارد با حفظ مدل های جایگزین .
- ب . رویارویی با جنبش های استقلال طلبانه اسلامی و جایگزینی سازمان های ملی به جای آن .
- ج . برپایی دولت کوچک فلسطین.

## بستر رشد و نمو سلفی های تکفیری اربابی در عراق

ص. کاظمینی \*

نظریه : سه دسته توجیه توسط نیروهای چند ملیتی به رهبری آمریکا و انگلیس در حمله به عراق به کار گرفته شد. سوژه نخست همانا جنگ بر ضد تروریسم بود. دومی وجود سلاح های کشتار جمعی و سومین مستمسک وعده ارائه مدل عراق دموکراتیک و ساخت الگوی آن برای خاورمیانه . صرفنظر از این که هریک از این توجیها چه اندازه رنگ و رو دارد باید توجه داشت که سازمان اطلاعات و امنیت عراق ((استخبارات)) از جریان تندرو، رادیکال و افراطی طیف اهل سنت که اکنون متجسد در سلفی ها، وهابی ها و تکفیری ها است به مثابه برگی در لابلای اوراق دیگر برای بازی ای که در منطقه به راه انداخته بود، به گونه ماهرانه بهره می برد. عناصر متحجر این جریان در دوره حاکمیت صدام به طور کنترل شده فعالیت های ضد شیعی خود را دنبال می کردند تا به گاه ضرورت به مثابه چماق ارباب مورد استفاده ابزاری قرار گیرند. منافع شماری از کشورهای عربی منطقه اقتضا می کرد تا این جماعت قشری را تحت پوشش کمک های مالی خود قرار دهند. آنان شرایط را برای برخی تصفیه حساب ها مغتنم می دانستند تا توازن و بالانس سیاسی در منطقه به هم نخورد. اشغال عراق و سقوط رژیم بعث حاکم وضعیت تنفس راحت برای این گروه را فراهم آورد. سلفی ها با خیالی آسوده به عراق رفت و آمد می کنند و با تشکل تروریستی القاعده به صورت سازماندهی شده گره خوردند . پاره ای عوامل به گسترش دامنه فعالیت آنها افزود که اهم آن از این قرار است:

موقعیت اجتماعی و جغرافیایی: نیمنگاهی به نقشه عراقی کافی است تا دریابیم که این کشور از سمت غرب و جنوب رو به صحرا باز است و از شمال

---

\*. روزنامه نگار

غربی به منطقه دیار بکر ترکیه ، بخش هایی که کمترین سکنه را در خود جای داده است و شهرها اندک است. مناطقی که با مشکل کمبود آب مواجه است . عراق از هیمن جا آسیب پذیر و به راحتی از رهگذر مرزهای خود با سوریه ، اردن و سعودی امکان نفوذ به خاک این کشور وجود دارد. اهل سنت عراق در مناطق شمال و غرب این کشور هستند. در شمال کردها زندگی می کنند که سنی اند صرفنظر از کردهای فیلیه که شیعه می باشند. سکنه مناطق فرات میانه و جنوب عراق را شیعیان تشکیل می دهند. شماری از قبایل بدوی که در نیمه سده هفدهم میلادی از حجاز به مناطق میانی و جنوب عراق مهاجرت کردند به مرور زمان تحت تأثیر فرهنگ تشیع تغییر مسلک دادند. عشایر عبید، جبور، دلیم، شمّر، عنزه بیشتر سنی مسلک بوده اند.

اما در خصوص گسترش گروههای تروریستی تکفیری عراق می بایست یادآور شد که این عناصر بیشتر در مناطقی فعال اند که اکثریت آنها را اهل سنت تشکیل می دهند. سلفی های تکفیری دشمنان قسم خورده شیعیان هستند. به فتوای برخی به اصطلاح علمای آنان قتل شیعیان جایز و مال و ناموس آنها مباح است. اما وجه دیگر اقدامات تروریستی تکفیری ها متوجه جریان معتدل اهل سنت است، از این رو شاهد هستیم که همه روزه در مناطق سنی نشین شماری از آنها هدف حملات این جنایتکاران قرار می گیرند.

سلفی ها از بنیه مالی قدرتمندی بهره مند هستند. کمک های مالی فراوانی به آنها از طریق جمعیت ها و شرکت های مختلفی که در سراسر جهان فعال هستند واصل می شود. کافی است دانسته شود اسامه بن لادن دهها میلیارد دلار سرمایه را میان شرکت های گوناگونی که به امور تجاری و پروژه های مختلف با نام های مستعار سرگرم کار هستند توزیع کرده است و بخشی از درآمد آن صرف اقدامات تروریستی می گردد.

وجود برخی پایگاه های مردمی در شهرهای مرزی و روستاهای دور افتاده با پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی سلفی های و وهابی کمک شایانی می نماید.

انحلال ارتش و ادارات امنیتی دیگر عراق خلاء شگفت‌انگیزی را موجب آورد. جریان تروریستی وهابی از این فضا نهایت بهره را برد. فرار شماری از بعضی ها و صدامیون که دستشان به خون هموطنان عراقی آغشته بود به مناطق دور افتاده و مهجور باعث ایجاد ارتباط و پیوستگی این شبکه ها به یکدیگر شد. لازم بذکر است پست های امنیتی و اطلاعات رژیم بعث در اختیار اهل سنت قرار داشت.

در این فضا نمی توان از شکل نگرفتن نوعی مرجعیت سنی نیرومند غافل ماند. اهل سنت در ۲۰۰۳/۴/۹ اقدام به ایجاد ((هیأت علمای اهل سنت)) کردند که چندی بعد نام آن به ((هیأت علمای مسلمین)) تغییر کرد که تا حدودی در تقویت ، عقلانیت این طیف و دعوت پیروان این جریان به گفت و گو و پرهیز از اقدامات خشونت طلبانه مؤثر بود.

فاکتورهای اقتصادی در این عرصه را نباید نادیده گرفت. رویکرد برخی افراد به جریان های تکفیری تروریستی بر اثر فقر مفرط است ضمن این که از سوء رفتار نیروهای اشغالگر نمی توان گذشت. صحنه های زننده ای که عراقیان غیرتمند را هدف تحقیرهای روزمره قرار می دهد شعله های این آتش را شعله ورتر می سازد.

هرم تشکیلاتی القاعده متشکل از چند بخش است:

۱. امیرکل
۲. امیر منطقه و شهر
۳. امیران مناطق
۴. امیران شهرها و روستاها
۵. نیروهای اطلاعاتی و نظامی
۶. پایگاه های مردمی.

استراتژی سلفی های تکفیری در عراق امروز سرنگونی نظام با توسل به قهر و اعمال خشونت است. آنان به ظاهر ژست ضد شیعی گرفته اند اما اقدامات آنان در برهه هایی خواسته و در مواردی ناخواسته آب به آسیاب دشمن می افکنند. توجه داشته باشیم که اسناد و مدارک باز یافته در سنوات ماضیه از برخی اقدامات رادیکال های وهابی نشان دهنده خوش خدمتی مفرط این خشکه مقدس ها به کسانی بوده است که گمان مبارزه با آنان به مثابه اعدا عدو بوده است. جایگاه آنان در معاملات پیچیده سیاسی و بازی های آنها در حد یک ((کارت)) است که تا سوختن فاصله چندانی ندارد.

## جایگاه مذهب در شمال عراق

ماندانا تیشه یار \*

عراق کشوری است کثیر الاقوام . موزائیک جمعیتی این سرزمین پر از لکه های رنگارنگ است. تفاوت های قومی، زبانی و مذهبی موجب شده است که تنوع فرهنگی و هویتی چشمگیری در این سرزمین به وجود آید با این وجود مردم این کشور به رغم حاکمیت های جور و اجور به نحو مسالمت آمیز سالیان سال سیاق معیشت را دنبال کردند.

در این میان ، بخش های شمالی و شمال شرقی این کشور که از دیر باز محل اسکان اقوام کرد بوده است از ویژگی های متمایزی نسبت به سایر مناطق کشور برخوردار است. اختلافات دیرپای کردها با دولت مرکزی از یکسو و موفقیت رهبران کرد در ایجاد آرامش و امنیت در سنوات اخیر از سوی دیگر، جامعه کردنشین شمال عراق را در موقعیت نوینی قرار داده است که با وضعیت سایر مکان های این کشور و نیز با شرایط جوامع کردنشین دیگر تفاوت دارد. این امر موجب شده است که بررسی تحولات فرهنگی و اجتماعی در کردستان عراق از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد.

در مقاله حاضر، نگارنده تلاش خواهد نمود تا بر اساس مشاهدات عینی خود در سفر به مناطق کردنشین عراق و دیدار از شهرهای سلیمانیه، اربیل و دهوک و گفتگو با افراد و شخصیت های مختلف سیاسی و فرهنگی کرد، به بررسی جایگاه مذهب در جامعه در حال تحول در این بخش از عراق امروز بپردازد.

---

\* . دانشجو ی دکترای مطالعات بین الملل دانشگاه جواهر لعل نهرو هندوستان



## عراق از ثوره العشرين تا سقوط صدام

مهدي انصاري \*

عراق يا سرزمين بين النهرين از گذشته هاي بسيار دور مورد تاخت و تاز اقوام و كشورها و احزاب و دولتهاي فراوان بوده و هر كدام به نسبت خود از سرزمين و ثروت و مردم و فرهنگ و دين و اقتصاد و سياست اين كشور تاراج کرده اند .

پس از گسترش اسلام در دنياي عرب و تبديل عراق به پاگاهي بزرگ ، اساسي و قدرتمند و به علت همجواري با ايران و آذربايجان و شامات و روم قديم و آبهاي گرم خليج فارس به مركز حكومت اسلامي و حتي عربي و احياناً شيعي مورد يورش نظامي و فرهنگي حكومت شام و امويان و سپس عباسيان قرار گرفت. همين يورشهاي مختلف و به دنبال آن حوادث كوچك و بزرگ كشتار و تاراج مردم و دين و مذهب آنها و شهادت امامان معصوم اهل بيت (عليهم السلام) اين سرزمين را بستر هجوم دولتهاي ضد مردمی و غير دينی عثمانيان و مورد طمع هاي مختلف دولتهاي غربي در روزگار قديم قرار داد . در اين ميان خيزشهاي دينی و مذهبی و مردمی عراقيان و مواليان ساكن عراق كه اغلب ايراني و شيعی تبار بودند نبايد نادیده گرفته شود كه مهم ترين حادثه قرن اخير پس از خيزشهاي كوچك و بزرگ گذشته عراق می توان به جنبش دينی و شيعی مردمی سال ۱۹۲۰ م مراجع دينی و حوزه علميه نجف و عناصر و قبایل شيعی عراق در برابر قدرت سياسی حكومتي انگلستان اشاره كرد .

نباید فراموش کرد که با تمام تلاشها و پیروزی سياسی و اجتماعي که در اين حرکت نصيب مرجعيت شيعه عراق و ملت آن شد اما عدم پيگيري سياسی و دينی اين جنبش و همچنين عدم گسترش اندیشه و فرهنگ

---

\* . حوزه علميه قم

سیاسی دینی آن در جامعه عراقیان و آرام شدن نسبی اوضاع حکومتی و بازگشت حوزه دینی به فعالیتهای علمی گذشته خود متأسفانه سبب گردید بار دیگر قدرتهای جهانی در قالب تأسیس دولتهای استعماری با ظاهری انقلابی تمامی تلاشهای گسترده دوره ۱۹۲۰ عراق را به یأس و ناامیدی تبدیل کند و پس از کودتای عبدالکریم قاسم زمینه را برای کودتای تموز بعثیهای ضد دین و مردم که اساس از انگلیس و سیاست از آمریکا و رنگ و شکل از سوسیالیستهای روسی - عربی می گرفت آماده کند و زمینه های نابودی همه ارزشها و تاراج فرهنگ و اندیشه و دینداری و حوزه های دینی و مردم سالاری را در عراق جدید گسترش دهد .

این کودتای ضد بشری که حدوداً چهار دهه به طول انجامید توانست تمام نوانمندی های اساسی دینی و اندیشه اسلامی عراق را نابود کند اما به هر تقدیر خود نابود شد و متأسفانه با ملتی ورشکسته به لحاظ اقتصادی و گرفتار حوادث بزرگ داخلی و خارجی و سیاسی و مذهبی و دینی با حوزه و حوزه دینی ضربه خورده و شهید فراوان داده و تخریب اندیشه دینی و سالم در اجتماع عراق از خود باقی گذارد .

دراین موقعیت که باید دوباره برخاست و اندیشه کرد و حوزه دینی و مرجعیت عراق با تمام توان و تلاش خود توانست مشروطه ایران و سپس انقلاب ۱۹۲۰ عراق را برپا کند زنده کرد و این سرزمین آینده ساز اسلام را برای زمینه های قیام امام زمان (عج) و تفکر شیعی اسلامی ناب در سراسر دنیای اسلام تقویت نمود.